

علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا

پدرام جوادزاده

کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی از دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات

Pedramjavadzade@gmail.com

چکیده

سرمایه انسانی از اصلی‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها است و کمبود این سرمایه در کشورهای در حال توسعه فرایند رشد و توسعه را به تاخیر می‌اندازد. متأسفانه جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که به طور پیوسته با پدیده فرار مغزها روبرو بوده است. طبق آمار ارائه شده از سوی سازمان ملل، در بین ۷۲ کشور در حال توسعه در جهان، ایران رتبه سوم فرار مغزها را با توجه به جمعیت خود دارا است. هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر پدیده مهاجرت نخبگان است. عوامل اجتماعی بر مبنای سه متغیر اصلی سبک زندگی، طبقه اجتماعی و ساخت اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین عوامل دافعه مبدأ و جاذبه مقصد نیز بررسی شده است. نظریه اصلی مورد استفاده نظریه اورت لی می‌باشد. این تحقیق، پژوهشی کاربردی است و روش مورد استفاده در آن پیمایش است. برای اندازه‌گیری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری به دو دسته تقسیم شده است. دسته اول از میان دانشجویان فوق لیسانس و دکترای رشته‌های فنی که برای ادامه تحصیل و کار به کشور آمریکا (دانشگاه مینسوتا) مهاجرت نموده و دسته دوم از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر و صنعتی شریف انتخاب شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و رگرسیون و برای آزمون فرضیات از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین طبقه اجتماعی و مهاجرت رابطه معناداری وجود ندارد، رابطه بین سبک زندگی ایرانی و مهاجرت معکوس بوده و بین ساخت اجتماعی ایران و مهاجرت نخبگان رابطه مستقیمی وجود دارد.

واژگان کلیدی: مهاجرت نخبگان، طبقه اجتماعی، سبک زندگی، ساخت اجتماعی، عوامل دافعه مبدأ، عوامل جاذبه

مقصد

مقدمه

در این تعریف نخبگان یا مغزها معادل نیروهای انسانی ماهر و دارای تخصص در نظر گرفته می‌شوند. این پدیده هر چند محدود به کشور خاصی نبوده و در گستره جهانی مطرح است، اما اغلب در ارتباط با کشورهای در حال توسعه به کار می‌رود. اصطلاح فرار مغزها که معادلی برای مهاجرت نخبگان می‌باشد، به نوعی اجبار در مهاجرت نیروی کار، متخصص و ماهر از سرزمین مبدأ اشاره دارد. این مفهوم عملاً ناظر به وضعیتی است که در آن نیروهایی از کشور مهاجرت می‌کنند که اولاً کشور مبدأ به آنان نیاز دارد، ثانیاً کشور توان حفظ و نگهداری آنان در مرزهای خود را ندارد.

سازمان ملل متحد این پدیده را این گونه تعریف کرده است: حرکت یک سویه افراد بسیار متخصص از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته که فقط به سود کشورهای پیشرفته منتهی می‌شود (Sansa, 1998).

در مجموع بسیاری معتقدند که مساله مهاجرت نخبگان صرفاً از مبدأ کشورهای در حال توسعه به مقصد کشورهای توسعه یافته شکل می‌گیرد (کاظمی-پور، ۱۳۹۰: ۴۰۲).

متأسفانه جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که به طور پیوسته با معضل مهاجرت نخبگان روبرو بوده است. هرچند بحث فرار مغزها از اوایل انقلاب اسلامی پیوسته گریبانگیر کشور بوده است اما این امر در سال‌های اخیر ابعاد تازه و جدی تری یافته است.

طبق آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد، کشور ایران در بین ۷۲ کشور در حال توسعه جهان رتبه سوم فرار مغزها را با توجه به جمعیت خود دارا بوده و همچنین مقصد بیش از نیمی از این نیروهای متخصص کشور آمریکا است (UN, 2013).

سرمایه انسانی از اصلی ترین عوامل رشد و توسعه کشورها است و کمبود این سرمایه در کشورهای در حال توسعه فرایند توسعه را به تاخیر می‌اندازد. در این بین نیروی انسانی متخصص، مهم ترین سرمایه انسانی برای حفظ و گسترش جریان توسعه است. به همین دلیل امروزه سرمایه گذاری‌های زیادی برای تربیت و ایجاد این منابع در کشورهای در حال توسعه انجام می‌پذیرد. هرچند هدف از آموزش این متخصصین ورود آنان به بازار کار این کشورهاست، اما برخی از آنان به مهاجرت از کشور خود اقدام می‌کنند.

واژه مهاجرت مفهومی است که دامنه گسترده‌ای از جابه جایی‌ها و نقل و انتقالات بشری را شامل می‌شود. در اغلب موارد مهاجرت یکی از رفتارهای اجتماعی انتخابی است (زنجان، ۱۳۸۰: ۵).

این رفتار موجب بروز تغییراتی در ساختارهای جمعیتی، انتقال فرهنگی و علمی و تغییراتی از این دست در کشورهای مختلف جهان می‌شود. هر چند تمام انواع مختلف مهاجرت دارای اشتراکات فراوانی با یکدیگرند اما هر یک از مهاجرت‌ها از قوانین و شرایط خاص خود تبعیت می‌کند.

مسئله مهاجرت نخبگان یک مسئله چند بعدی است که از ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و در نهایت جمعیتی می‌توان به آن توجه کرد. پدیده مهاجرت نخبگان از حادترین مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران می‌باشد.

با این که تقریباً نیم قرن از مطرح شدن واژه مهاجرت نخبگان گذشته است، هنوز تعریف دقیقی از آن که مورد قبول صاحب نظران باشد، وجود ندارد. مهاجرت نخبگان که از آن به فرار مغزها نیز یاد شده، عبارت است از عبور از مرزهای سیاسی کشورها و تغییر محل اقامت برای مدتی طولانی (بیش از یک سال) (Branan, 2006).

در بین این دو گروه از نخبگان کشور برآمدیم. مطالعه تحقیقات تجربی در این حوزه می‌تواند به درک بهتر پدیده مهاجرت مغزها منجر شود. نتایج حاصل از پژوهشی بین ۴۸۱ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ایران که در خارج از کشور به تحصیل پرداخته‌اند، حاکی از آن است که علاوه بر عوامل شغلی و عوامل فردی (فرصت‌های شغلی و رفاه بیشتر خانوادگی و فردی) متغیرهای دیگری نظیر شرایط سیاسی - اجتماعی مناسب‌تر، آزادی‌های علمی و آزادی شغلی، از جمله عواملی هستند که زمینه ساز مهاجرت کردن اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور است (آراسته، ۱۳۸۰).

سید رضا صالحی امیری کتاب خود با عنوان «مهاجرت نخبگان» را با این فرض که عامل اصلی تاثیرگذار در امر مهاجرت نخبگان عامل اقتصادی بوده و پس از آن عوامل علمی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی تاثیر گذار هستند، به رشته تحریر در آورده است. وی در انتهای تحقیق خود ۱۹ راهکار برای کنترل میزان مهاجرت نخبگان و ۳۰ راهکار برای بازگرداندن نخبگان جلالی وطن کرده، ارائه می‌نماید (صالحی امیری، ۱۳۸۸).

سعید تائب در مقاله خود، پدیده مهاجرت را در چهارچوب توسعه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در نهایت این ادعا را مطرح می‌کند که مهاجرت گسترده نخبگان نتیجه مستقیم عدم موفقیت روند توسعه در ایران است (تائب، ۱۳۸۷).

عبدالعلی لهسانی‌زاده با نگارش کتاب خود تحت عنوان «نظریات مهاجرت» به بررسی و جمع‌آوری نظریات و دیدگاه‌های اصلی مطرح شده پیرامون مهاجرت پرداخت. دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، سیاسی، اقتصادی و سیستمی، دیدگاه‌های اصلی مورد بررسی بوده و در نهایت وی کتاب خود را با مطالعه موردی

طبق آمار ارائه شده از سوی این سازمان در سه سال منتهی به سال ۲۰۱۱ (آخرین آمار ارائه شده)، حدود ۸۴۵ هزار نفر از ایران خارج شده‌اند که حدود ۴۲۴ هزار نفر از آنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. این آمار برای کشور چین که جمعیتی ۱۷ برابری ایران را دارد، به ترتیب $\frac{3}{8}$ میلیون و $\frac{1}{6}$ میلیون نفر است. از این ۸۴۵ هزار نفر افرادی که در سالهای اخیر از کشور خارج می‌شوند بیش از ۴۲۰ هزار نفر مستقیماً جذب کشور آمریکا و بسیاری از آنان جذب مراکز علمی و دانشگاهی و شغلی آمریکا شده‌اند.

به عبارت دیگر بیش از نیمی از نخبگان ایرانی مهاجر، برای ادامه تحصیل و یا کار در مراکز تحقیقاتی علمی، کشور آمریکا را به عنوان مقصد انتخاب کرده‌اند. کشور آمریکا بدون این‌که کوچکترین هزینه‌ای برای تربیت و تحصیل بیش از نیمی از متخصصین مهاجر ایرانی نماید، منافع حاصل از تخصص آنان را بدست می‌آورد. بر همین مبنا کشور آمریکا در این تحقیق به عنوان کشور مقصد انتخاب گردیده است.

عموم تحقیقاتی که به عرصه مهاجرت نخبگان پرداخته‌اند به شناسایی و بررسی مشکلات اجتماعی داخلی ایران بسنده کرده‌اند، در حالی که تحقیق پیش رو علاوه بر این دلایل، نگاهی نیز به امتیازات اجتماعی عرضه شده در کشور مقصد برای جذب نخبگان ایرانی دارد. در مقابل نخبگانی که مهاجرت می‌کنند، ما با نخبگانی با شرایط مشابه علمی و شغلی مواجهیم که به مهاجرت اقدام نمی‌کنند. در نتیجه برای درک درست از ابعاد مختلف مهاجرت نخبگان (با توجه به هدف این پژوهش، ابعاد اجتماعی)، همچنین دوری از توصیف صرف دلایل جاری بر پدیده فرار مغزها و دستیابی به راهکارهای قابل اجرا، با مقایسه علل جاری بر تصمیم هر کدام از دو گروه فوق، به دنبال مقایسه میزان اهمیت و تاثیر علل اجتماعی مهاجرت مغزهای ایرانی

عوامل ساختاری مهاجرت در ایران به پایان می‌رساند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸).

در تحقیقی با عنوان «مروری بر پدیده فرار مغزها و علل و عوامل مترتب بر آن» محقق با استناد به نتایج تحقیق خود مدعی می‌شود، ضعف نظام آموزشی مهم ترین علت مهاجرت مغزها است. وی همچنین به دلایلی مانند بروکراسی شدید اداری، تقلید زندگی غربی و تمرکز امکانات در پایتخت به عنوان دلایل ثانویه موثر بر روند فرار مغزها تاکید می‌کند (صالحی، ۱۳۷۱).

قلی پور، فتاحی و ایران‌نژاد در تحقیقشان به بررسی تاثیر عدالت اجتماعی بر مهاجرت نخبگان پرداخته‌اند و نتایج حاصل از تحقیق آنان گواه این است که حساسیت به این موضوع در بین نخبگان بسیار بالا بوده و رابطه معناداری بین ابعاد مختلف عدالت اجتماع و مهاجرت نخبگان وجود دارد (قلی پور و همکاران، ۱۳۸۶:۳۵).

شریفی در پایان نامه خود به بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت به خارج از کشور پرداخته و نتیجه مطالعه وی بر روی ۱۳۰ نفر از اساتید عضو هیئت علمی دانشگاه‌های تهران با تایید نظریه اورت لی در مورد تاثیر عوامل دافعه داخلی بر اقدام برای مهاجرت همراه بوده است (شریفی، ۱۳۷۶).

محمد توکل و ایمان عرفان منش در تحقیق خود به بررسی فرایند مهاجرت نخبگان از منظر جامعه‌شناسی علم پرداختند. نتایج این تحقیق، به شناسایی ۱۰ سنخ از مهاجرت نخبگان ایرانی منتهی شده است. از این میان می‌توان به مهاجرت موقت یا دائم، آشکار یا پنهان و مشتاقانه یا ناگزیرانه اشاره کرد (توکل و عرفان منش، ۱۳۹۴).

چهارچوب نظری تحقیق

از میان نظریات اجتماعی مطرح شده در حوزه مهاجرت نخبگان نظریه اورت لی، به عنوان دیدگاه اصلی در این تحقیق مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این نظریه ضمن در نظر گرفتن عوامل جاذبه و دافعه در مقصد و مبدأ، به تاثیرگذاری عوامل مداخله‌گر نظیر فاصله و یا قوانین حاکم بر جوامع و ... پرداخته و ضمن به رسمیت شناختن تفاوت‌های افراد در مواجهه با موقعیت‌های یکسان، به عوامل شخصی حاکم بر زندگی افراد که در فرایند مهاجرت تاثیر گذارند نیز، توجه کافی دارد.

از طرفی در قالب این دیدگاه می‌توان ضمن بررسی متغیرهای اجتماعی حاکم بر فرایند مهاجرت، به بررسی و سنجش متغیرهای اقتصادی تاثیر گذار نیز پرداخت. در نتیجه دیدگاه نسبتاً جامعی (شامل علل اجتماعی و حتی اقتصادی جذب کننده و یا دفع کننده در مبدأ و مقصد، عوامل مداخله‌گر تاثیر گذار در این فرایند و عوامل تاثیر گذار شخصی افراد)، به دست می‌آید.

برای نیل به تبیین علل اجتماعی مهاجرت نخبگان، شاخص‌های سه گانه اجتماعی زیر در قالب نظریه اورت لی مورد بررسی واقع خواهد شد:

اول) سبک زندگی: از نظر سوبل^۱، سبک زندگی را باید مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و معنی دار دانست که از سوی افراد تعریف می‌شود (Sobel, 1981:31).

باید دقت کرد که در این تعریف نقش کلیدی، در عامل انسانی است. در واقع سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و رفتارهای افراد.

به نظر وبر سبک زندگی از دو مولفه اصلی شیوه زندگی و فرصت‌های زندگی شکل می‌گیرد. شیوه زندگی اشاره به انتخاب‌هایی دارد که افراد در گزینش سبک زندگی‌شان دارند (Cockerham, 2000:161).

است. در واقع سبک زندگی می‌تواند فرد نخبه را به مهاجرت واداشته یا از مهاجرت باز دارد.

دوم) طبقه اجتماعی: یعنی گروه بندی‌هایی از افراد که از طریق اولویت بندی، شبیه یا نزدیک به هم بوده و جایگاه‌هایی را اشغال می‌کنند. اما به جز گرفتن جایگاه‌های مشترک که امری عینی است، افراد باید به یک شناخت جمعی از هویت خویش به عنوان عامل تمایز از سایر گروه‌های اجتماعی دست یابند تا به عنوان یک طبقه اجتماعی، شناخته و پذیرفته شوند (Jenkins, 2002:88).

بورديو^۲ از سه سطح اجتماعی نام می‌برد. سطح اول که طبقه مسلط است. اما طبقه دوم که مورد نظر این تحقیق است را کسانی تشکیل می‌دهند که بیشترین ظرفیت فرهنگی و اجتماعی را دارا هستند. به تعبیر بورديو بورژوازی های جدید کسانی هستند که جایگاه متوسطی را در تقسیم بندی‌های اجتماعی اشغال کرده و به طور پیوسته در تلاش برای رسیدن به طبقه مسلط هستند. تحصیلات تکمیلی یکی از راه‌هایی است که این سرمایه اجتماعی و فرهنگی را تقویت نموده و به طبع آن انتظار فرد از زندگی خود را نیز بالاتر می‌برد. انتظار شکل گرفته اگر در داخل کشور به درستی پاسخ داده نشود می‌تواند یکی از عوامل اصلی شکل گیری مهاجرت در میان نخبگان باشد.

سوم) ساخت اجتماعی: ساخت اجتماعی روابط و مناسبات نسبتاً پایداری میان افراد یا گروه‌های اجتماعی یک جامعه است که تحت مجموعه مشترکی از حقوق و قیود و التزامات شناخته و معین گرد هم آمده‌اند (بلوک باشی، ۱۳۵۴:۶).

با توجه به مفهوم ساخت اجتماعی می‌توان مناسبات و چگونگی پیوندها و کارکردهای متقابل نهادهای مختلف سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی و حتی خانوادگی را تبیین نمود.

و بر فرصت‌های زندگی را به عنوان مطلق فرصت مورد توجه قرار نمی‌دهد، بلکه آنها را فرصت‌هایی می‌داند که افراد به دلیل موقعیت اجتماعی‌شان از آنها برخوردار می‌شوند (کیوان‌آرا، ۱۳۸۶:۶۶).

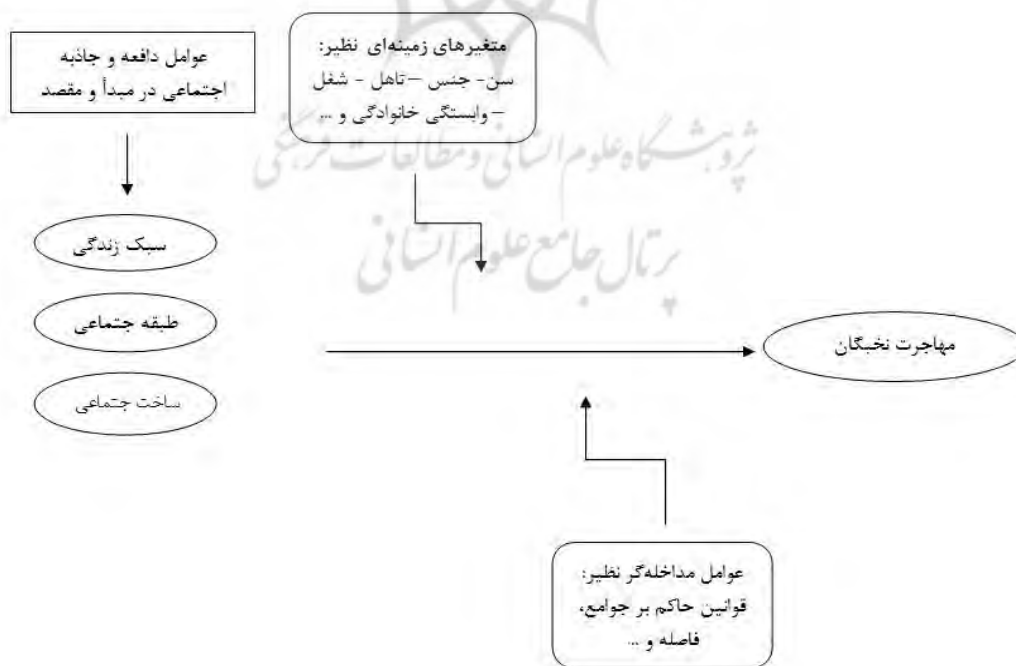
مفهوم سبک زندگی در گرو ارتباط تنگاتنگ بین انتخاب‌ها و فرصت‌هاست. در این معنا افراد سبک زندگی خود را انتخاب می‌کنند و کارهایی را که شاخصه آن سبک زندگی است، انجام می‌دهند. اما خود انتخاب‌های افراد تحت تاثیر موقعیت اجتماعی آنان واقع می‌شود. فرصت‌هایی نظیر سن، جنسیت، قومیت، طبقه اجتماعی و متغیرهایی از این دست، انتخاب‌های سبک زندگی را شکل می‌دهند.

گزینش یا ایجاد سبک زندگی تحت تاثیر مستقیم فشار گروه‌ها و الگوهای رفتاری تحمیل شده از سوی آنها، همچنین تحت نفوذ شرایط اقتصادی و اجتماعی است.

سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری او را برآورند، بلکه روایت خاصی که فرد برای هویت اجتماعی خود برگزیده است را در برابر دیگران مجسم سازد. این سبک‌های زندگی متفاوت در قالب تمایزات اجتماعی (هویت‌های اجتماعی متفاوت)، به بازتولید ذائقه‌ها و به طریق اولی، منش می‌انجامد و از سویی همین سبک زندگی است که کنشگران در ذیل آن می‌آموزند چگونه زندگی کنند (بهنوئی گدنه، ۱۳۹۱:۸۹).

سبک زندگی در این تحقیق از این نظر مورد توجه واقع شده که چه در مبدأ و چه در مقصد می‌تواند نقش دافعه و جاذبه را بازی کند. عدم تطبیق با سبک زندگی، فرصت‌های آن و یا انتخاب‌های در پیش رو، هر کدام به تنهایی توانایی سوق دادن افراد به سوی مهاجرت را دارند. از طرفی سبک زندگی ارائه شده در مقصد مهاجرت نیز شامل فرصت‌ها و تهدیدات خاص خود

- این مفهوم در این تحقیق از این منظر مورد توجه واقع شده است که در هر جامعه، ساخت اجتماعی مجموعه‌ای از فرصت‌ها و امکانات و در عین حال محدودیت‌ها و موانع را ایجاد می‌کند. برای نخبگان، مشکلات کار و فعالیت علمی در جوامعی که ساخت اجتماعی منظمی نداشته و یا محدودیت‌های ساختاری زیادی را در مقابل افراد قرار می‌دهند، می‌تواند یکی از عوامل منجر به امر مهاجرت باشد.
- از طرفی ساختار اجتماعی، قیود و محدودیت‌های خاص خود را نیز به همراه دارد. رها شدن از قیود و یا زندگی در جامعه‌ای که قیود اجتماعی متفاوتی را به زندگی افراد تحمیل می‌کند، می‌تواند یکی از عوامل منجر به مهاجرت نخبگان باشد.
- با عنایت به تعاریف فوق، چهارچوب نظری و روابط بین متغیرهای این تحقیق را می‌توان در نمودار ۱ به نمایش درآورد.
- بر اساس مدل ارائه شده، فرضیات تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شوند:
- به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی (شامل سبک زندگی، طبقه اجتماعی و ساخت اجتماعی) اصلی‌ترین دلیل مهاجرت نخبگان ایرانی به کشور آمریکا است.
 - به نظر می‌رسد سبک زندگی بر مهاجرت نخبگان تاثیر گذار است.
 - به نظر می‌رسد طبقه اجتماعی بر مهاجرت نخبگان تاثیر گذار است.
 - به نظر می‌رسد ساخت اجتماعی بر مهاجرت نخبگان تاثیر گذار است.
 - به نظر می‌رسد جاذبه‌های اجتماعی عرضه شده در کشور مبدا بر مهاجرت نخبگان تاثیر دارد.
 - به نظر می‌رسد عوامل دافعه اجتماعی ارائه شده در داخل کشور بر مهاجرت نخبگان تاثیر دارد.
 - به نظر می‌رسد ویژگی‌های سنی، جنسیتی و تحصیلی متخصصین ایرانی در مهاجرت نخبگان تاثیر گذار است.
 - به نظر می‌رسد تأهل و مجرد بر مهاجرت نیروهای متخصص تاثیر گذار است.



نمودار ۱: چهارچوب نظری و روابط بین متغیرهای این تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

حجم نمونه مجموعاً ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شده است. از این تعداد ۱۰۰ نفر دانشجویان دانشگاه مینسوتا (به عنوان نماینده نخبگان مهاجر) و ۱۵۰ نفر از دانشجویان داخل ایران (به عنوان نماینده نخبگان داخل ایران) در نظر گرفته شده‌اند. سعی بر آن بوده است حداکثر شباهت ممکن در بین این دو دسته رعایت شود. پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق از نوع محقق ساخته بوده و در طراحی سوالات، پوشش تمامی متغیرهای مورد بررسی در نظر گرفته شده است. از مجموع ۲۸ سوال مطرح شده در پرسشنامه، هفت سوال جمعیت‌شناسی جهت بررسی سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، محل اقامت فعلی، تحصیلات و شغل پدر مادر افراد مطرح شده است. دو سوال مربوط به تحصیلات و شغل و درآمد والدین پاسخگویان به صورت باز طراحی گردید و پاسخ‌ها در سه دسته زیر دیپلم تا دیپلم، دیپلم تا لیسانس، کارشناسی ارشد و دکترا و همچنین مشاغل کم درآمد و سطح پایین، مشاغل سطح متوسط و مشاغل سطح بالای دارای درآمد زیاد تقسیم بندی گردید. بیست و یک سوال نیز بر مبنای طیف لیکرت و با پاسخ‌های چهار گزینه‌ای (بدون پاسخ خنثی) جهت سنجش متغیرهای مطرح شده در تحقیق به پاسخگویان ارائه شد. برای ارزیابی پایایی سازه، شاخص پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ محاسبه گردید و نتایج حاصل در جدول زیر نشان داده شده است:

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و تحلیل داده‌ها در این مطالعه، با رویکرد کمی انجام یافته است. در این تحقیق برای اندازه‌گیری مفاهیم و متغیرها از پرسشنامه استفاده شده است. واحد مشاهده فرد می‌باشد. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق در بازه زمانی مابین سال‌های ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۴ و از میان دانشجویان ارشد و دکترای دانشگاه‌های کشور انتخاب شده است. جامعه آماری به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول نخبگانی که برای ادامه تحصیل (رشته‌های فنی) و کار به کشور آمریکا (دانشگاه مینسوتا) مهاجرت نموده و مدتی بیش از یک سال از ورودشان به آمریکا گذشته است. دسته دوم نخبگانی هستند که در کشور باقی مانده و به فعالیت شغلی مشغولند. این دسته از بین دانشجویان رشته‌های فنی دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه امیرکبیر و دانشگاه تهران انتخاب شده‌اند. از آن جا که با همانند نبودن جامعه آماری برای محاسبه N روبرو هستیم استفاده از راه‌هایی نظیر فرمول کوکران معقول نمی‌باشد. تعداد دانشجویان شناسایی شده داخل ایران مجموعاً ۱۱۱۰۱ نفر می‌باشد. این تعداد در مورد دانشجویان مشغول به تحصیل در آمریکا ۱۳۰ نفر می‌باشد. اگر بخواهیم N را مجموع این تعداد در نظر بگیریم و از طریق فرمولی نظیر کوکران به محاسبه حجم نمونه بپردازیم، عدد بدست آمده نماینده مناسبی برای کل جامعه آماری نیست. در نتیجه

جدول ۱: پایایی سازه‌ها

سازه	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی
سبک زندگی	۰،۷۱۸	۰،۸۰۲
طبقه اجتماعی	۰،۷۲۵	۰،۸۲۹
ساخت اجتماعی	۰،۸۲۵	۰،۸۸۴

پاسخگویان متأهل و ۵۲/۴ درصد مجردند. ۶۶/۸ درصد از پاسخگویان دارای مدرک یا دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد بوده و این امر در مورد مقطع دکتری شامل ۳۳/۲ درصد از پاسخگویان را شده است. از نظر سطح تحصیلات والدین، مقطع کارشناسی با ۴۸/۸ درصد فراوانی بیشترین و مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری با ۲۱/۲ درصد کمترین فراوانی را دارند. از نظر شغل والدین مشاغل متوسط با ۴۶ درصد، بیشترین فراوانی را دارا بوده و مشاغل رده بالا ۳۷/۶ و مشاغل رده پایین با ۱۴/۸ درصد فراوانی در رده های بعدی قرار دارند. همچنین ۱/۶ درصد از پاسخگویان به این سوال پاسخ نداده‌اند. ۴۰ درصد از پاسخگویان در کشور امریکا و ۶۰ درصد در ایران اقامت دارند.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد سبک زندگی بر مهاجرت نخبگان تاثیر گذار است.

بنابراین در بین مولفه‌های سبک زندگی، تاثیر متغیر «سبک زندگی حاکم بر جامعه ایران (شامل رفتارها و ارزشها و نگرشها و عقاید اجتماعی)» معنا دار می باشد و از این رو فرضیه فرعی اول تحقیق به طور بخشی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد. با توجه به بتای به دست آمده، سبک زندگی حاکم بر جامعه ایران با عدم مهاجرت و ماندن نخبگان در کشور رابطه مستقیم دارد.

جهت تحلیل داده‌های جمعیت شناختی، از شاخص‌های فراوانی استفاده شده است. تعیین توزیع متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و آزمون شاپیرو-ویلک انجام یافته است. برای آزمون مدل تحقیق، رویکرد مدلیابی معادلات ساختاری (با تکنیک پی.ال.اس) انتخاب گردیده است. نظر به این که متغیر وابسته این مطالعه دارای حالت صفر و یکی (مهاجرت-عدم مهاجرت) بوده است، ارزیابی فرضیات تحقیق با استفاده از روش رگرسیون لجستیک انجام گرفته است. نرم افزار به کار رفته در ارزیابی این فرضیات (و همچنین شاخص های توصیفی، جمعیت شناختی و آزمون نرمال بودن توزیع)، SPSS نسخه ۲۰ بوده و ارزیابی مدل تحقیق و استخراج ویژگی های مدل اندازه گیری با نرم افزار SMARTPLS نسخه ۲ بتا انجام یافته است.

یافته‌ها:

بررسی نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که ۵۷/۲ درصد پاسخگویان مرد و ۴۲/۸ درصد زن می‌باشند. بازه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال با ۴۶ درصد، بیشتر فراوانی را دارا بوده و پس از آن بازه ۳۰ الی ۳۵ سال با ۳۱/۲ درصد فراوانی و ۲۰ الی ۲۵ سال با ۲۲/۸ درصد فراوانی قرار دارند. همچنین ۴۷/۶ درصد از

جدول ۲: متغیرهای معادله رگرسیون- آزمون فرعی اول

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
قیود مذهبی حاکم بر جامعه ایران	۰،۲۰۶	۰،۱۷۴	۱،۴۰۲	۱	۰،۲۳۶
سبک زندگی حاکم بر جامعه ایران (شامل رفتارها و ارزشها و نگرشها و عقاید اجتماعی)	۰،۴۷۱	۰،۲۲	۴،۵۷۶	۱	۰،۰۳۲
سبک زندگی مردم آمریکا و ارزشهای حاکم بر جامعه آمریکایی	-۰،۲۴۹	۰،۱۸۸	۱،۷۵۱	۱	۰،۱۸۶
دستیابی به سطح بالاتری از کالای فرهنگی	-۰،۰۶۱	۰،۱۷۶	۰،۱۱۸	۱	۰،۷۳۲
مقدار ثابت	-۰،۴۱۷	۰،۷۶۹	۰،۲۹۴	۱	۰،۵۸۷

جدول ۳: متغیرهای معادله رگرسیون- آزمون فرعی دوم

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
دستیابی به طبقه اجتماعی بالاتر	-۰,۲۰۷	۰,۱۹۵	۱,۱۳۳	۱	۰,۲۸۷
پیدا کردن کار مورد علاقه و منطبق بر تخصص	-۰,۳۳۹	۰,۲۰۸	۲,۶۵۶	۱	۰,۱۰۳
منزلت اجتماعی شغلی	۰,۰۸۴	۰,۲۵	۰,۱۱۴	۱	۰,۷۳۶
میزان درآمد	۰,۰۷۱	۰,۱۸۵	۰,۱۴۸	۱	۰,۷
مقدار ثابت	۱,۵۹۷	۰,۸۱۸	۳,۸۱۱	۱	۰,۰۵۱

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد طبقه اجتماعی بر مهاجرت نخبگان تاثیر گذار است. داشته و از عوامل ایجاد کننده فرایند مهاجرت در بین نخبگان کشور می‌باشند.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که بین هیچ یک از مولفه‌های شکل دهنده طبقه اجتماعی نخبگان در ایران و اقدام به مهاجرت نخبگان رابطه معنادار وجود ندارد. فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد جاذبه های اجتماعی عرضه شده در کشور مبدا بر مهاجرت نخبگان تاثیر دارد.

از این رو فرضیه فرعی دوم تحقیق مورد پشتیبانی قرار نمی‌گیرد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول فوق، تنها تاثیر متغیر «دست یابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج از ایران»، در بین عوامل جاذبه در کشور مقصد بر مهاجرت نخبگان معنادار بوده است. بنابراین فرضیه فرعی چهارم تحقیق حاضر نیز به طور بخشی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد ساخت اجتماعی بر مهاجرت نخبگان تاثیر گذار است. نتایج نشان می‌دهد که در بین مولفه‌های ساخت اجتماعی، تاثیر «ساختار و رویه اداری مراکز علمی و اجرایی کشور» و همچنین تاثیر «قوانین اجرایی کشور ایران» بر مهاجرت نخبگان، معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه فرعی سوم تحقیق به طور بخشی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد.

با توجه به بتای بدست آمده متغیر ذکر شده بر اقدام برای مهاجرت نخبگان تاثیر مستقیم داشته و می‌توان آن را از عوامل ایجاد کننده فرایند مهاجرت در کشور دانست. گفت دو عامل بالا بر مهاجرت نخبگان، تاثیر مستقیم

جدول ۴: متغیرهای معادله رگرسیون- آزمون فرعی سوم

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
ساختار و رویه اداری مراکز علمی و اجرایی کشور	-۰,۵۴	۰,۲۳۴	۵,۳۰۷	۱	۰,۰۲۱
قوانین اجرایی کشور ایران	-۰,۴۹	۰,۲۴۱	۴,۱۳۹	۱	۰,۰۴۲
میزان تبعیت مردم و مسئولین از قوانین اجرایی ایران	-۰,۰۱۶	۰,۲۰۱	۰,۰۰۷	۱	۰,۹۳۵
دست یابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج از ایران	-۰,۲۷۲	۰,۲۰۹	۱,۶۹۲	۱	۰,۱۹۳
مقدار ثابت	۴,۵۸	۰,۷۸۶	۳۳,۹۰۶	۱	۰,۰۰

جدول ۵: متغیرهای معادله رگرسیون- آزمون فرضیه فرعی چهارم

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
دستیابی به طبقه اجتماعی بالاتر	۰,۰۳۷	۰,۲۱۶	۰,۰۲۹	۱	۰,۸۶۵
پیدا کردن کار مورد علاقه و منطبق بر تخصص	-۰,۲۳۵	۰,۲۲۱	۱,۱۳۷	۱	۰,۲۸۶
منزلت اجتماعی شغلی	۰,۲۸۵	۰,۲۶۴	۱,۱۶۶	۱	۰,۲۸
میزان درآمد	۰,۲۷۵	۰,۲	۱,۸۹۶	۱	۰,۱۶۹
دست یابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج از ایران	-۰,۸۷۲	۰,۲۲۶	۱۴,۹۳۴	۱	۰,۰۰
دستیابی به سطح بالاتری از کلاسی فرهنگی	-۰,۱۸۳	۰,۱۶۲	۱,۲۷	۱	۰,۲۶
مقدار ثابت	۲,۴۸	۰,۹۰۸	۷,۴۶۵	۱	۰,۰۰۶

نخبگان به خارج از کشور تاثیر مستقیم و با ماندن در

کشور رابطه عکس دارد.

ارزیابی فرضیه فرعی پنجم تحقیق حاضر نشان

می‌دهد که در بین عوامل دافعه در کشور مبدا، تاثیر دو

متغیر «ساختار و رویه اداری مراکز علمی و اجرایی

کشور» و «قوانین اجرایی کشور ایران»، بر مهاجرت.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد عوامل دافعه اجتماعی

ارائه شده در داخل کشور بر مهاجرت نخبگان تاثیر

دارد.

نخبگان، معنادار بوده و فرضیه فرعی پنجم تحقیق

حاضر به صورت بخشی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد. با

توجه به بتای بدست آمده، دو عامل بالا بر مهاجرت

جدول ۵: متغیرهای معادله رگرسیون- آزمون فرعی پنجم

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
ساختار و رویه اداری مراکز علمی و اجرایی کشور	-۰,۵۸۷	۰,۲۳۳	۶,۳۷۹	۱	۰,۰۱۲
قوانین اجرایی کشور ایران	-۰,۶۲۳	۰,۲۳۷	۶,۹۲۷	۱	۰,۰۰۸
میزان تبعیت مردم و مسئولین از قوانین اجرایی ایران	-۰,۰۳۳	۰,۲۰۱	۰,۰۲۷	۱	۰,۸۷
تعاملات و روابط اجتماعی جامعه ایران	۰,۱۵	۰,۱۹۲	۰,۶۱۳	۱	۰,۴۳۴
مقدار ثابت	۳,۸۷۶	۰,۷۹۶	۲۳,۶۸۲	۱	۰,۰۰

جدول ۶: متغیرهای معادله رگرسیون- آزمون فرعی ششم

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
سن	۰,۰۰۹	۰,۱۹۹	۰,۰۰۲	۱	۰,۹۶۲
شغل	-۰,۳۸۹	۰,۱۸۶	۴,۳۸۵	۱	۰,۰۳۶
جنسیت	۰,۲۸۷	۰,۲۷۲	۱,۱۱۸	۱	۰,۲۹
سطح تحصیلات	-۰,۴۳۹	۰,۲۹۸	۲,۱۶	۱	۰,۱۴۲
مقدار ثابت	۲,۳۰۹	۱,۰۹۸	۴,۴۲۲	۱	۰,۰۳۵

جدول ۷: متغیرهای معادله رگرسیون - آزمون فرعی هفتم

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
وضعیت تاهل	-۰,۱۷۴	۰,۲۵۹	۰,۴۵۱	۱	۰,۵۰۲
مقدار ثابت	۰,۴۹۷	۰,۱۸۹	۶,۹۲۳	۱	۰,۰۰۹

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد ویژگی‌های سنی، جنسیتی و تحصیلی متخصصین ایرانی در مهاجرت نخبگان تاثیرگذار است.

بنابراین در بین عوامل بیان شده، تنها تاثیر معنادار، تاثیر «شغل» بر مهاجرت نخبگان بوده است. بنابراین فرضیه فرعی ششم نیز به طور بخشی مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد. با توجه به بتای بدست آمده عوامل مرتبط با متغیر شغل بر فرایند فرار مغزها از کشور تاثیر مستقیم دارد.

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد تاهل و مجرد بر مهاجرت نیروهای متخصص تاثیرگذار است. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که تاثیر وضعیت تاهل بر مهاجرت نخبگان معنادار نبوده و فرضیه فرعی هفتم تحقیق حاضر مورد پشتیبانی قرار نمی‌گیرد.

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی (شامل سبک زندگی، طبقه اجتماعی و ساخت اجتماعی) اصلی‌ترین دلیل مهاجرت نخبگان ایرانی به کشور آمریکا است.

در جدول شماره ۸، تنها تاثیر متغیر «ساخت اجتماعی» بر مهاجرت نخبگان معنادار بوده، (sig=0.000)

جدول ۸: متغیرهای معادله رگرسیون - فرضیه اصلی

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
سبک زندگی	۰,۲۸۷	۰,۳۲۶	۰,۷۷۳	۱	۰,۳۷۹
طبقه اجتماعی	۰,۵۱۷	۰,۳۰۹	۲,۸۰۵	۱	۰,۰۹۴
ساخت اجتماعی	-۱,۵۵۶	۰,۲۸۴	۳۰,۰۰۸	۱	۰,۰۰۰
مقدار ثابت	۲,۹۲	۱,۲۸۵	۵,۱۶۲	۱	۰,۰۲۳

جدول ۹: ضرایب رگرسیون لجستیک متغیرهای نهایی

متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
سبک زندگی حاکم بر جامعه ایران (شامل رفتارها و ارزشها و نگرشها و عقاید اجتماعی)	۰,۴۲۷	۰,۱۹۹	۴,۶۰۲	۱	۰,۰۳۲
ساختار و رویه اداری مراکز علمی و اجرایی کشور	-۰,۵۱۵	۰,۲۳۶	۴,۷۷۹	۱	۰,۰۲۹
قوانین اجرایی کشور ایران	-۰,۴۴۴	۰,۲۴۰	۳,۴۳۷	۱	۰,۰۶۴
دست یابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج از ایران	-۰,۲۴۰	۰,۲۱۹	۱,۲۰۲	۱	۰,۲۷۳
شغل	-۰,۴۵۴	۰,۱۹۹	۵,۲۲۸	۱	۰,۰۲۲
مقدار ثابت	۴,۲۸۴	۱,۱۰۸	۱۴,۷۰۳	۱	۰,۰۰۰

فرضیه اصلی مطرح شده، نه تنها عوامل اجتماعی علت

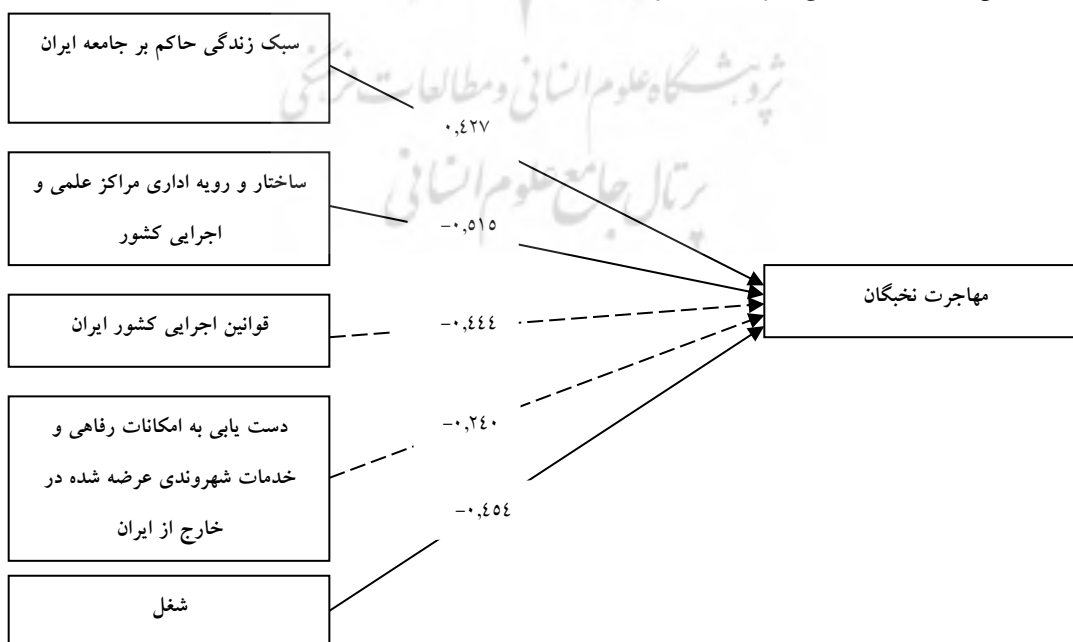
اصلی مهاجرت نخبگان از ایران نمی‌باشند بلکه از بین سه متغیر اصلی مطرح شده برای سنجش علل اجتماعی، متغیر طبقه اجتماعی اصولاً تأثیری بر فرایند فرار مغزها ندارد.

در بررسی فرضیه فرعی اول یعنی وجود رابطه معنادار بین مولفه‌های مهم سبک زندگی برای نخبگان و اقدام به مهاجرت آنان مشخص گردید که در بین مولفه‌های مطرح شده برای سنجش سبک زندگی، تأثیر متغیر "سبک زندگی حاکم بر جامعه ایران (شامل رفتارها و ارزشها و نگرشها و عقاید اجتماعی)" بر

مهاجرت رابطه مستقیم دارند. همچنین تأثیر «قوانین اجرایی کشور ایران» و «دست یابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج از ایران» معنادار نمی‌باشد. در نمودار زیر، مدل نهایی تحقیق ارائه شده است.

بحث و نتیجه گیری

مدل نهایی تحقیق تغییراتی را نسبت به مدل پیشنهادی نشان می‌دهد. در بررسی گویه‌های سنجیده شده در این تحقیق مشخص گردید که بر خلاف



نمودار ۲: مدل نهایی تحقیق

عضویت در طبقات اجتماعی متفاوت در فرار مغزها از کشور بی تاثیر است (نیکوکار، ۱۳۸۸).

در بررسی فرضیه فرعی سوم یعنی تاثیر متغیر ساخت اجتماعی بر مهاجرت نخبگان، مشخص گردید که تاثیر مولفه‌های "ساختار و رویه اداری مراکز علمی و اجرایی کشور" و "قوانین اجرایی کشور ایران" بر مهاجرت نخبگان، معنادار بوده و بر این فرایند رابطه مستقیم دارند. نتایج حاصل قویا بر تاثیر گذاری این دو عامل بر فرار مغزها در کشور تاکید می‌کند. ساختار ناکارآمد، سختی‌های زیاد و امکانات کم برای فعالیت‌های علمی در کشور، قوانین اجرایی ناکارآمد و محدودیت‌های ناشی از آن، عدم شایسته‌سالاری و مواردی اینچنین از عوامل اصلی فرار مغزها در کشور هستند. بستر و شرایط مناسب فعالیت تحقیقاتی و علمی در خارج از کشور، رویه‌های اداری و قوانین اجرایی کارآمد بدون شک در گرایش نخبگان ایرانی به مهاجرت تاثیر گذار است. نتایج پژوهش صالحی نیز موید یافته‌های این تحقیق است. نتایج پژوهش وی نشان دهنده تاثیر مستقیم بروکراسی شدید اداری و ناکارآمدی قوانین اجرایی کشور در مهاجرت نخبگان است (صالحی، ۱۳۷۱). همچنین نتیجه تحقیق توکل و عرفان منش نیز موید تاثیر مسائل ساختاری مرتبط با نهاد علم، بر فرار مغزهاست. این تحقیق نشان می‌دهد که عواملی مانند سازمان درونی اجتماعات علمی و مناسبات درونی گروه‌های پژوهشی بر فرار مغزها تاثیر گذار است (توکل و عرفان منش، ۱۳۹۴).

در بررسی فرضیه چهارم یعنی تاثیر جاذبه‌های ارائه شده در مقصد بر فرار مغزها در ایران، نتایج نشان می‌دهد که تنها تاثیر متغیر "دست یابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج از ایران"، معنادار بوده و با مهاجرت مغزها رابطه مستقیم دارد. بنا بر نتایج بدست آمده، یکی از راه‌های کنترل فرار مغزها فراهم آوردن سطح مطلوبی از عوامل

فرایند فرار مغزها معکوس می باشد. این مورد تایید کننده نتیجه تحقیق بیژن خواجه نوری و مریم سروش است که نقش سبک زندگی را پس از نظر گروه‌های مرجع (نظیر خانواده) در جلوگیری از فرار مغزها موثر دانستند (خواجه نوری و سروش، ۱۳۸۵). می‌توان گفت آن دسته از نخبگانی که مهاجرت نموده‌اند احتمالاً به سبک زندگی جامعه ایران دلبستگی نداشته و یا وابستگی به سبک زندگی ایرانی به تنهایی توان کافی برای کنترل فرار مغزها از کشور را ندارد. اما نتیجه حاصل از بررسی این فرضیه نشان می‌دهد که تقویت سبک زندگی ایرانی می‌تواند منجر به کم کردن میزان مهاجرت نخبگان از کشور شود.

در بررسی فرضیه فرعی دوم یعنی تاثیر مستقیم متغیر طبقه اجتماعی بر فرایند مهاجرت مغزها نتایج متفاوتی رقم خورد. بررسی فرضیه دوم مشخص می‌کند که فرایند فرار مغزها وابسته و مختص اعضای طبقه خاصی از اجتماع ایران نیست. به بیان دیگر عضویت در طبقات خاصی از جامعه ایرانی، امتیاز، ویژگی یا دلیل خاصی در گرایش و اقدام نخبگان به مهاجرت از کشور نمی‌باشد. در میان پاسخگویان مهاجرینی از خانواده‌های بسیار فقیر دارای حداقل تحصیلات تا خانواده‌های بسیار ثروتمند و دارای والدینی بسیار تحصیل کرده مشاهده می‌شود. از طرفی صرف جایگیری در طبقه اجتماعی بالاتر انگیزه لازم برای مهاجرت را در میان نخبگان ایرانی ایجاد نمی‌کند. نتیجه حاصل از بررسی فرضیه دوم از این نظر با ارزش است که عضویت در طبقات اجتماعی بالا تا حد زیادی به مفهوم دسترسی به امکانات گسترده‌تر اقتصادی برای افراد نیز می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیر طبقه اجتماعی در فرایند مهاجرت نخبگان تاثیری ندارد و این متغیر از مدل نهایی حذف گردید. این یافته با نتیجه پژوهش نیکوکار همخوانی دارد. وی نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که

مهاجرت آنان، مشخص گردید که تنها تاثیر شغل بر مهاجرت نخبگان معنادار بوده و با آن رابطه مستقیم دارد. طبق یافته‌های این تحقیق افزایش یا کاهش سن، زن یا مرد بودن و میزان تحصیلات نخبگان در اقدام برای مهاجرت آنان تاثیری ندارد. طبق این نتیجه می‌توان گفت، عدم امکان اشتغال بر مبنای تخصص، فراهم نبودن بستر کاری مبتنی بر فعالیت‌های علمی و پژوهشی و... از جمله عوامل تاثیر گذار در مهاجرت نخبگان است. مادامی که امکان فعالیت مبتنی بر تخصص دارای درآمد کافی برای نخبگان فراهم نشود، کنترل فرار مغزها امکان پذیر نخواهد بود. این نتیجه تایید کننده یافته‌های پژوهش شاه‌آبادی و جامه بزرگی است. آنان نیز دریافتند بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی بر جریان مهاجرت نخبگان تاثیر مثبت و معنادار دارد (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲). این نتیجه بر خلاف یافته حکیم زاده و همکاران است. آنان نشان دادند که تنها افزایش سن بر مهاجرت تاثیر مستقیم داشته و متغیرهای شغلی در این فرایند بی تاثیر هستند. هر چه سن افراد به میانسالی نزدیک تر می‌شود گرایش آنان به مهاجرت از کشور فزونی می‌یابد. از طرفی طبق نتایج تحقیق آنان مهاجرت به طور کلی در بین مردان بیشتر است (حکیم زاده و همکاران، ۱۳۹۲).

در بررسی فرضیه هفتم یعنی تاثیر تأهل و مجرد بر مهاجرت نخبگان، مشخص گردید که تاثیر وضعیت تأهل بر مهاجرت نخبگان معنادار نبوده و فرضیه فرعی هفتم تحقیق به طور کلی مورد پشتیبانی قرار نمی‌گیرد. اما در مورد فرضیه اصلی تحقیق یعنی تاثیر عوامل اجتماعی شامل سبک زندگی، طبقه اجتماعی و ساخت اجتماعی بر فرایند مهاجرت نخبگان به عنوان علل اصلی این فرایند، در بررسی همزمان متغیرهای اصلی بر فرایند فرار مغزها مشخص گردید که عوامل اجتماعی در بعد "ساخت اجتماعی" با سطح معنا داری ۰،۰۰۰، بر مهاجرت نخبگان موثر است و دو متغیر دیگر

اقتصادی و رفاهی برای نخبگان خواهد بود. از آنجا که تقریباً همه پاسنگویان مهاجر و عموم پاسنگویان غیر مهاجر، دستیابی به امتیازات رفاهی و اجتماعی عرضه شده در خارج از کشور را امر بسیار مهمی دانسته‌اند، مادامی که نیازهای اقتصادی نخبگان و خدمات شهروندی ارائه شده در خارج کشور، در داخل کشور برای آنان محیا نشود، امکانی برای کنترل فرار مغزها در کشور فراهم نخواهد بود. میرترابی و خاوری‌نژاد نیز در تحقیق خود نسبت بالای بودجه پژوهشی به تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته و در نتیجه امکانات رفاهی عرضه شده به مهاجرین نخبه را از دلایل اصلی اثرگذار بر مهاجرت مغزها از کشور دانسته‌اند (میرترابی و خاوری‌نژاد، ۱۳۹۳). از طرفی این نتایج خلاف یافته ساروخانی و دولت آباد است که مهاجرت نخبگان را تنها ناشی از ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی کشور دانسته‌اند (ساروخانی و دولت آباد، ۱۳۸۸).

در بررسی فرضیه پنجم یعنی تاثیر عوامل دافعه اجتماعی کشور بر مهاجرت نخبگان، نتایج نشان می‌دهند که تاثیر دو مولفه "ساختار و رویه اداری مراکز علمی و اجرایی کشور" و "قوانین اجرایی کشور ایران"، بر مهاجرت نخبگان، معنادار و دارای رابطه مستقیم است. به علت همپوشانی مولفه های تاثیر گذار در بین فرضیات سوم و پنجم از توضیح دوباره خودداری می‌گردد. نتایج تحقیق شعبانلو نیز موید این امر است که بین گرایش به مهاجرت و ارزیابی نامطلوب از شرایط داخلی کشور توسط افراد، رابطه مستقیمی وجود دارد. وی در تحقیق خود در می‌یابد هر چه افراد شرایط داخلی را نامطلوب‌تر و شرایط خارجی را مطلوب‌تر ارزیابی نمایند، گرایش بیشتری به مهاجرت خواهند داشت (شعبانلو، ۱۳۸۰).

در بررسی فرضیه ششم یعنی تاثیر ویژگی‌های سنی، شغلی، جنسیتی و تحصیلی متخصصان ایرانی بر

را امری بسیار مهم برشمرده‌اند. ناگفته پیداست این حمایت (به آن شکل که در کشورهای پیشرفته عرضه می‌شود) مطلقاً برای نخبگان در داخل کشور فراهم نیست. اما در بررسی اهمیت داشتن شغل مرتبط با تخصص، دارای منزلت اجتماعی بالا و درآمد مناسب، پاسخ‌های هر دو گروه نشان دهنده این است که این موضوع در کشور دارای مشکلات اساسی است. نخبگان مهاجر با پاسخ‌های خود مشخص نموده‌اند که این امر در گرایش و اقدام آنان به مهاجرت تاثیر بالایی داشته است و از طرف دیگر نخبگان غیر مهاجر در تصمیم خود برای ماندن در کشور، برای شغل سهمی قائل نشده‌اند. مشخص است که فراهم نمودن بستری برای دسترسی نخبگان به مشاغل مرتبط با حوزه تخصصی خود همراه با درآمد مناسب یکی از قدم‌های اولیه برای کنترل فرار مغزها از کشور است. در نهایت به علت محدودیت‌های حاکم بر تحقیق و محقق، تنها سنجش عوامل اجتماعی تاثیرگذار در فرار مغزها، آن هم به وسیله سه متغیر اصلی مطرح شده در تحقیق صورت پذیرفته است. برای فهم درست پدیده فرار مغزها باید پژوهش جامعی شامل حداقل مولفه-های اصلی عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تاثیرگذار در جامعه ایرانی صورت پذیرد.

پیشنهادات

با عنایت به نتایج بدست آمده می‌توان، این عوامل را به عنوان راهکارهایی جهت جلوگیری از مهاجرت نخبگان برشمرد:

- ۱- اصلاح ساختار و رویه اداری مراکز علمی و اجرایی و همچنین بازنگری در قوانین جاری در کشور به نحوی که مسیر برای انجام فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی مورد نیاز نخبگان هموار گردد.
- ۲- ایجاد بستر رشد و پیشرفت برای نخبگان کشور مبتنی بر نظامی شایسته سالارانه.

یعنی "سبک زندگی" و "طبقه اجتماعی"، در این مدل تاثیری بر مهاجرت نخبگان ندارند. عدم ساخت یافتگی منظم اجتماعی، قوانین اجرایی و ساختار نه چندان کارآمد مراکز علمی و اجرایی کشور از اصلی‌ترین عوامل منتهی به مهاجرت نخبگان در کشور می‌باشند. در نتیجه و با توجه به نتایج حاصل از تحقیق نمی‌توان دلایل اجتماعی را اصلی‌ترین علت مهاجرت نخبگان در ایران دانست. اما "ساخت یافتگی اجتماعی" را باید به عنوان یکی از اصلی‌ترین دلایل فرار مغزها در ایران برشمرد.

در بررسی تطبیقی متغیرهای تاثیرگذار بین دو گروه مهاجرین و غیر مهاجرین نتایج زیر بدست آمد: پاسخ‌های مهاجرین به مورد قبول بودن سبک زندگی ایرانی از نظر آنان، عموماً «کم» بوده است. این امر برای آنان که در کشور مانده‌اند، عموماً با پاسخ «زیاد» و «بسیار زیاد» همراه بوده است. می‌توان گفت تقویت عناصر شکل دهنده سبک زندگی ایرانی، می‌تواند نقش مهمی در باقی ماندن نخبگان در کشور ایفا نماید. در مورد ساختار مراکز اداری و اجرایی و قوانین جاری کشور، تمامی مهاجرین متفق‌القول این امر را در تصمیم‌گیری خود بسیار موثر دانسته‌اند. این امر در میان پاسخ دهندگان مقیم ایران دارای اهمیت چندانی نبوده است. در واقع کسانی که از ایران مهاجرت نموده‌اند از ساختار اداری کشور گریزان بوده و برای گروه دیگر، این ساختار در تصمیم‌شان برای ماندن در کشور، نقشی بازی نکرده است. تا ساختار این مراکز دچار اصلاحات اساسی نگردد، همچنین مادامی که بازبینی اساسی در قوانین جاری کشور (به خصوص قوانینی که با فعالیت‌های مرتبط با نخبگان ارتباط مستقیم دارد) صورت نگیرد، یکی از دلایل اساسی فرار مغزها در کشور به قوت خود باقی خواهد ماند. تقریباً تمامی پاسخ‌گویان برای امکانات رفاهی عرضه شده در خارج از کشور، ارزش بسیار زیادی قائل شده و آن

- ۳- عموم نخبگان پاسخگو به اهمیت دستیابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج از ایران، تاکید کرده‌اند. بدون شک برای نگهداری از این سرمایه ارزشمند باید امکانات رفاهی، امنیت شغلی و طرح‌های حمایتی، حداقل در مورد نخبگان جامعه تقویت گردد.
- ۴- استفاده از ظرفیت بسیار ارزشمند نهفته در سبک زندگی ایرانی شامل ارزش‌ها باورها و عقاید اجتماعی، جهت کنترل فرار مغزها باید در سرلوحه امور قرار گیرد.
- ۵- هدایت نخبگان به مشاغل هماهنگ و مبتنی بر تخصص آنان، می‌تواند در کاهش فرار مغزها تاثیر گذار باشد.
- منابع و مآخذ
آراسته، حمید. (۱۳۸۰). بررسی رضایت شغلی و عوامل مهاجرت اعضای هیئت علمی فارغ التحصیل خارج از کشور، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- بلوک باشی، علی. (۱۳۵۴). فرهنگ جامعه و ساخت اجتماعی، فصلنامه مردم شناسی و فرهنگ عامه، شماره ۲.
- بهنوئی گدنه، عباس. (۱۳۹۱). جوانان، سبک زندگی و هویت اجتماعی، مطالعات سبک زندگی، شماره ۱.
- تائب، سعید. (۱۳۸۷). مهاجرت نخبگان: شکست روند توسعه، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۸۵.
- توکل، محمد، عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۴). رهیافت تلفیقی جامعه شناسی علم به مهاجرت نخبگان با تاکید بر جامعه ایران، فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره ۲.
- حکیم زاده، رضوان، طلایی، ابراهیم، جوانک ماندانا. (۱۳۹۲). تاثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت از کشور در دانشجویان دانشگاه تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، شماره ۶۹.
- خواجه نوری، بیژن، سروش، مریم. (۱۳۸۵). بررسی عوامل موثر بر نگرش جوانان به خارج از کشور (نمونه مورد مطالعه جوانان شهر شیراز)، مجله علوم اجتماعی، شماره ۷.
- زنجان، حبیب ا... (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر، دولت آباد، اسماعیل. (۱۳۸۸). ساختار روابط انسانی در خانواده و گرایش به مهاجرت، دانشنامه علوم اجتماعی، ۱.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، جامه‌بزرگی، آمنه. (۱۳۹۲). تاثیر آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی بر مهاجرت (با تاکید بر مهاجرت نخبگان)، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۷۲.
- شریفی، مهدی. (۱۳۷۶). بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه های تهران به مهاجرت از کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شعبانلو، رحیم. (۱۳۸۰). بررسی گرایش دانشجویان به خارج از کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۸۸). مهاجرت نخبگان. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۵). بررسی نگرش اعضای هیات علمی نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور، نامه مطالعات جامعه شناختی، شماره ۲۸.
- صالحی، فروزنده. (۱۳۷۱). مروری بر پدیده فرار مغزها و علل و عوامل مترتب بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

قلی‌پور، آرین، فتاحی، مهدی. و پیران نژاد، علی. (۱۳۸۶). تاثیر عدالت اجتماعی بر مهاجرت نخبگان، *دوفصلنامه رهیافت*، شماره ۴۰.

کیوان آرا، محمود. (۱۳۸۶). اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان. لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید.

میر ترابی، سعید، خاوری نژاد، سعید. (۱۳۹۳). علل مهاجرت نخبگان از ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین الملل (با تاکید بر دهه ۱۳۸۰)، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی*، شماره ۱۹.

نیکوکار، محمد رضا. (۱۳۸۸). *بررسی گرایش دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران به مهاجرت از کشور*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

Branna, s. (2006). Causes and Impact of Brain Drain in Africa. Paper Presented at Palacky University, Czeck Republic

Cockerham, w. (2000). The Sociology of Health Behavior And Health Lifestyle. Prentice Hall College, London.

Jenkins, r. (2002). Pierre Bordieu. Routledge, London.

Sansa, a. (1998). THE Brain Drain is not a Recent Phenomenon, Avaukabke at: www.sansa.nrf.az/documentsbrown.pdf

Sobel, m. (1981). lifestyle and European. Praeger, New York

World Migration in Figures. (2013). Department of Economic and Social Affairs, United Nations, Retrieved from: www.oecd.org/els/mig/World-Migration-in-Figures.pdf

یادداشت‌ها

¹ Sobel

² Bordieu

³ Partially



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی